

# توانمندی انسانی و توسعه

دکتر وحید محمودی\*

## درآمد:

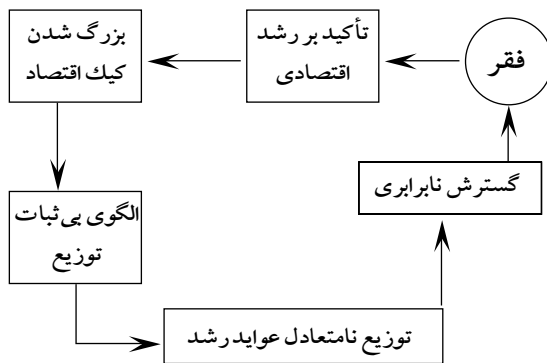
در ایران، پنج بر نامه توسعه پیش از انقلاب و سه بر نامه پس از انقلاب به اجرا گذاشته شده است. در این بر نامه‌ها طیف گسترده‌ای از هدف‌های کیفی و متناسب با آنها استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی ویژه پیش بینی و تدوین شده است. ولی شرایط امروز کشور نشان می‌دهد که با این همه تلاش و سرمایه گذاری و بر نامه ریزی و با وجود پیروزی‌های نسبی در برخی از زمینه‌ها هنوز نمی‌توانیم ایران را کشوری توسعه یافته بدانیم و همچنان انبوهی از نارسایی‌ها، کمبودها و دشواری‌ها گر بیانگیر جامعه و اقتصاد ایران است؛ برای نمونه:

- جایگاه ضعیف در اقتصاد جهانی
- وابستگی سخت به درآمدهای نفتی
- نرخ بیکاری بالا
- نرخ تورم آرقمی
- عقب افتادگی‌های تکنولوژیک

- تهیدستی و نابرابری  
- ناکارآمدی نهادهای اقتصادی و اجتماعی  
- فساد اداری و رانت خواری  
- رشد ناپایدار و گاه اندک اقتصادی  
و بسیاری مشکلات بزرگ و کوچک دیگر. این در حالی است که رسیدن به رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی و نیز دستیابی به جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی از هدف‌های اصلی این بر نامه‌ها بوده است. در این دورانها، گاه بر رشد اقتصادی و نیز جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی و گاه تنها بر رشد اقتصادی و تقدّم آن بر عدالت توزیعی تأکید شده و گاه چگونگی باز توزیع درآمدها مورد توجه بوده است. گذشته از بحث تقدّم و تأخر رشد و توزیع نسبت به هم و چالش‌های بسیار میان نخبگان جامعه درباره آن، در این سالها موضوع توسعه سیاسی و بحث‌های دامنه دار بر سر تقدّم آن بر توسعه اقتصادی یا بر عکس، به این کشمکشها افزوده شده است. امار از سر به مهر پیروزی‌های اندک پس از سالها تلاش را باید در این حقیقت سترگ جستجو کرد که رشد اقتصادی،

\* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

### نمودار (۱) باز تولید فقر در رویکرد رشد گرا



در آمدها و باز توزیع در آمدها در دیدگاه آنان رنگ می باز دو با فرو کاستن معنای آزادی به آزادی سیاسی، بر این نکته مهم چشم می بندند که ناآزادیهای بسیار، جدا از ناآزادی سیاسی، گریبانگیر انسانهاست. جامعه و اقتصاد ایران فراز و نشیب های بسیار در سایه این دیدگاهها که بسته به قدرت سیاسی اعمال شده، تجربه کرده است، ولی انتظارات

○ در ایران، پنج بر نامه توسعه پیش از انقلاب و سه بر نامه پس از انقلاب به اجرا گذاشته شده است. در این بر نامه هاطیف گسترده ای از هدفهای کیفی و متناسب با آنها استراتژیها، سیاستها و اقدامات اجرایی ویژه پیش بینی و تدوین شده است. ولی شرایط امروز کشور نشان می دهد که با این همه تلاش و سرمایه گذاری و بر نامه ریزی و با وجود پیروزیهای نسبی در برخی از زمینه ها هنوز نمی توانیم ایران را کشوری توسعه یافته بدانیم و همچنان انبوهی از نارساییها، کمبودها و دشواریها گریبانگیر جامعه و اقتصاد ایران است.

عدالت توزیعی و توسعه سیاسی، همه از برجسته ترین هدفهای توسعه است که باید در خدمت هدف غایی آن یعنی «انسان» قرار گیرد.

### ۱. دیدگاههای رقیب:

وجه مشترک دیدگاههای رقیب در جامعه ایران آن است که همه به دنبال «توسعه اقتصادی» اند و کمابیش تعریفی یکسان از توسعه دارند و آنچه آنها را از هم جدا می کند، راه رسیدن به این هدف و تأکید بر آن وجهی است که از دید ایشان، با برتری دادن به آن، توسعه اقتصادی متحقق می شود.

رشد گرایان با تأکید بر اهمیت رشد اقتصادی و اولویت آن، بر سرمایه گذاری و تولید انگشت گذاشته اند و برای تحقق یافتن آن کوچک سازی دولت، خصوصی سازی و آزاد سازی را برای کار کردن آزادیروهای بازار و ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد تجویز کرده اند و تحقق عدالت توزیعی را بعنوان فرآیندی که پیامد بی چون و چرای رشد اقتصادی خواهد بود، وعده می دهند و کمتر به این نکته پرداخته شده است که پیش از آنکه رقابت آزاد کنشگران اقتصادی در بازار بخواند آثار میمون خود را نشان دهد، توازن آنها می بایست مورد توجه قرار گیرد. نظام بازار و گسترش فضای رقابت در جامعه ای که نابرابریها در آن بیدار می کند، تنها به گسترش بیعدالتی و افزایش فاصله ها خواهد انجامید (نمودار ۱)، باز تولید فقر در رویکرد رشد گرا.

در برابر، حمایت گرایان با شعار عدالت اجتماعی قرار دارند که بر آند با اولویت دادن به کاهش فقر و نابرابری از راه گسترش حمایتها و سیاستهای تثبیت قیمتی به این مهم دست یابند و به روشنی توضیح نمی دهند که عدالت چیست؟ و چه هنگام عدالت واقعی اجرا شده است؟ و با بیشترین دخالت در اقتصاد چشم خود را به مزایای بی دلیل نظام بازار و آسیبهای بر آمده از اختلالهای قیمتی و افزایش رانتها بر خاسته از آن می بندند (نمودار ۲)، باز تولید فقر در رویکرد حمایت گرا). و سرانجام، پشتیبانان توسعه سیاسی، سخت بر حقوق و آزادیهای سیاسی و رشد نهادهای مدنی تأکید می کنند به گونه ای که اهمیت افزایش

هدفهای چندگانه توسعه را پوشش دهد، در چارچوب یک رویکرد محوری به توسعه در صدر برنامه‌های توسعه قرار گیرد؟

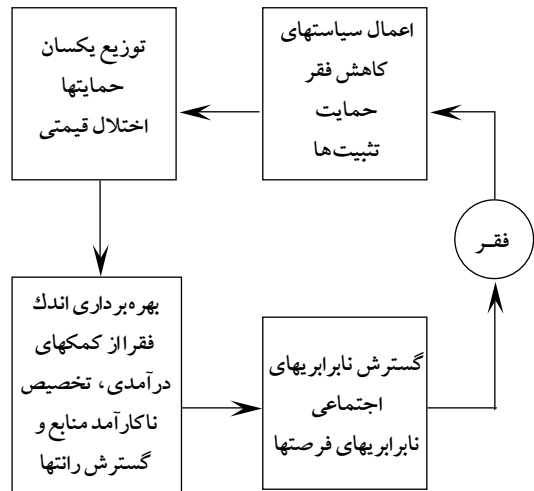
دانش اقتصاد، دانش چگونگی نه‌تروتمندشدن بر پایه شناخت رفتار کنشگران اقتصادی برای بهبود کیفیت زندگی انسانهاست. از این‌رو موضوع دانش اقتصاد با موضوع توجه به انسان آمیخته است. اقتصاد توسعه نیز بر پایه یافته‌های دانش اقتصاد در پی یافتن راهکارهایی برای دستیابی به توسعه اقتصادی راهی دراز پیموده است و در این راه تاکنون نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون به توسعه مطرح شده ولی شور بختانه تا اندازه‌ی زیادی ماهیت انسانی خود را با غفلت از نقش انسان چه بعنوان هدف و چه بعنوان ابزار توسعه از دست داده است.

فراموشی بزرگ آن است که اقتصاد توسعه با مشغول شدن به درآمد ملی و درآمد سرنه و سنجش حسابهای ملی در ارزیابیهای توسعه، از خود زندگی انسان غافل شده است. امروز اقتصاددانان در زمینه توسعه می‌دانند که تنها تأکید بر پس‌انداز، تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری برای تحقق رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرنه، دست کم به دو دلیل ناکافی است:

نخست آنکه، سرمایه تنها به سرمایه فیزیکی محدود نمی‌شود. در گفتمانهای تازه توسعه دست کم چهار گونه سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی شناخته شده است که همه آنها لازم‌ترند و توسعه است. با اندکی اندیشیدن درباره این ابزارهای توسعه در می‌یابیم که جز گونه نخست، گونه‌های دیگر سرمایه پویو نندی نزدیک با انسان و روابط انسانی دارد و سرچشمه آنها انسان است و گونه نخست یعنی بهره‌گیری از سرمایه طبیعی نیز به دانش و تواناییهای انسانی بستگی بسیار دارد. گذشته از این، بهره‌گیری درست از این منابع نیز در گرو تواناییهای انسانی است.

دوم آنکه، حتا در صورت تحقق یافتن رشد درآمد سرنه نیز باید دانست که این تنها ابزاری برای توسعه است نه هدف آن، و رفاه جامعه بیش از آنکه به میزان درآمد بستگی داشته باشد به چگونگی توزیع و شیوه بهره‌گیری از آن وابسته است، به گونه‌ای که بتواند بهره‌بر خور داری انسانها از زندگی سالم و پر بار در فضایی آزاد و دموکراتیک کمک کند.

## نمودار (۲) باز تولید فقر در رویکرد حمایت‌گرا (نگاه درآمدی)



گوناگون و هدفهای چندگانه توسعه تحقق نیافته است. حقیقت آن است که هدفهای مورد نظر گروههای رقیب همه از اجزای توسعه است نه تنها ابزار توسعه! عدالت اجتماعی و آزادیهای سیاسی در کنار رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرنه، بخشی از تعاریف تازه توسعه در ادبیات اقتصادی توسعه است و جدا کردن اجزای یک موضوع از هم و تقدم و تأخر قائل شدن برای آن کاری است نادرست.

بر سر هم می‌توان این نکته را پذیرفت که برنامه‌های اجرا شده در ایران از رویکرد محوری به توسعه بی‌بهره بوده است. یک رویکرد محوری به توسعه دارای این ویژگی است که با تأکید بر موضوع یا موضوعاتی ویژه، طیفی گسترده از مشکلات اقتصادی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. ماهیت یک رویکرد محوری باید چنین باشد. نباید فراموش کرد که مشکلات گوناگون می‌توانند ریشه‌ای واحد داشته باشند و گاهی با انگشت نهادن بر عاملی ویژه بتوان طیف گسترده‌ای از آنها را همراه برداشت.

آیا زمان آن نرسیده است که رویکردی محوری با قابلیت پیوند دادن رشد گرایی و حمایت‌گرایی همراه با تأکید بر آزادیهای سیاسی که در آن رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی در کنار هم و به گونه سیستماتیک تحقق یابد در دستور کار قرار گیرد؟ و تعریفی و تبیینی از توسعه که بتواند

○ راز سر به مهر پیروزیهای اندک پس از سالها تلاش را باید در این حقیقت سترگ جستجو کرد که رشد اقتصادی، عدالت توزیعی و توسعه سیاسی، همه از بر جسته ترین هدفهای توسعه است که باید در خدمت هدف غایی آن یعنی «انسان» قرار گیرد.

کرد. اگر هدف نهایی و غایی انسان است، در طول مسیر نیز توجه محوری به آن ضرورت دارد. بنابراین رویکردی رشد گرایانه که عدالت اجتماعی در آن به فرایندهای خود کار حواله می شود، به ملاحظات تجربی و نظری محل تر دیدهای فراوان است.

## ۲. رویکرد توانمندی انسانی

رویکرد توانمندی انسانی\* که تکیه گاه اصلی آن رشد و ایجاد توانمندیهای انسانی است، رویکردی است که می تواند بایستادن و دادن رشد گرای و باز توزیع، هدفهای چند گانه توسعه را در فرایندی دوستانه و انسانی مبنی بر خورداری از زندگی دلخواه و آزاد محقق سازد. این رویکرد از همان آغاز، ضمن تأیید هدفهای عالیة دیدگاههای رقیب، مرزهای روشنی برای راه رسیدن به آن هدفها ترسیم می کند.

محرومیت در این رویکرد به معنای محرومیت از درآمد نیست، بلکه هر چه امکان کنش و گزینش انسان را تهدید کند، به گونه ای، محرومیت شمرده می شود، و صد البته نبود در آمد نیز گونه ای محرومیت است. بر پایه این دیدگاه، دسترسی نداشتن به فرصتهای اجتماعی و امکانات اقتصادی و حتا هر چه زندگی انسان را همچون بلا بای طبیعی و... تهدید می کند گونه ای محرومیت است. بدین معنا، هر جا که انسان محروم از گزینش یا ناتوان از گزینش از تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی است، آزادی او تهدید شده است و در واقع محرومیتها به معنای نآز ادیها است. از سوی دیگر، افزایش توانمندیهای انسانی

بنابر این، این حقیقت که هدف توسعه باید انسان باشد و نیز اینکه انسان نیرومندترین ابزار تحقق توسعه است، در ادبیات جدید توسعه اقتصادی وارد شده است و نظریات تازه تر در زمینه توسعه ناگزیر از پاسخ دادن به این پرسشهای مهم است:

\* رشد چگونه پدید می آید؟

\* درآمدهای حاصل از آن چگونه توزیع می شود؟

\* این درآمدها چگونه زندگی انسان را دگرگون

می کند؟

تأکید بر نقش محوری انسان بعنوان فاعل توسعه و مشارکت فعال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی او، فصل مشترک نظریات جدید توسعه است. بر پایه این دیدگاهها، تأکید بر توسعه انسانی و افزایش توانمندی انسان در فضای عادلانه و آزاد، هدف اصلی توسعه است.

نکته مهم دیگر این است که «راه» از «هدف» جدا نیست. فرایند رسیدن به توسعه به اندازه خود توسعه مهم است. مانعی توانیم برای رسیدن به عدالت، در آغاز آنرا فراموش کنیم یا برای دوره ای نادیده بگیریم. رویکرد انسانی به توسعه مارا و امی دارد فرایندی را بر گزینیم که در آن حرمت و کرامت انسانی حفظ شود و فقر، بیسوادی، نبود بهداشت، محرومیت از مشارکت های اقتصادی و اجتماعی، پایمال شدن حقوق اجتماعی و محرومیت از حق تعیین سر نوشت و... همه به معنای شکسته شدن حرمت و عزت انسانی است. رویکردی به توسعه که در آن راه و هدف بر هم منطبق نباشد، بی چون و چرا به سر نوشتی می انجامد که در آن، در عمل، هدف وسیله را توجیه خواهد

## نمودار (۳)

در يك مكانيسم خودكار پس از رشد اقتصادي	«رسیدن حق به فرد»	رویکرد رشد گرا (اقتصاد محور)
در يك مكانيسم مداخله جويانه و دستوري	«رساندن حق به فرد»	رویکرد حمایت گرا (حمایت محور)
با مكانيسم افزايش توانمندیهای فردی و تلاش برای برابری فرصتها	«رسیدن فرد به حق»	رویکرد عدالت گرا (قابلیت محور)

حوزه عدالت اجتماعی این امکان را برای انسانها فراهم می کند که به حقوق خود در راستای بهره مندی از پیامدهای رشد دست یابند. این رویکرد بر هدف والای عدالت اجتماعی که در رویکرد حمایت گر ابر رساندن «حق به فرد» و در رویکرد رشد گر ابر «رسیدن حق به فرد» استوار است، با دستیابی «فرد به حق» و افزایش توانمندیهای او برای چیدن میوه های درخت توسعه به جای پایین آوردن شاخه های درخت، تأکید دارد.

تحقق نیافتن توانمندیهای انسانی، دستاورد رویکردهای رشد گر و حمایت گر راهواره تهدید خواهد کرد و پایداری آن دستاوردها نیز هنگامی است که توانمندیهای انسانی رشد یافته باشد. بنابراین رویکرد توانمندی انسانی بر آن است که اگر عواملی که زندگی اقتصادی و اجتماعی انسانها را تهدید می کند همچون فقر، نابرابری، بیسوادی، بهداشت اندک، کمبود فرصتهای اجتماعی و اقتصادی و حتا بلایای طبیعی، از میان برود، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی پایدار نیز محقق خواهد شد.

وسعت دامنه اثر گذاری این دیدگاه بر همه ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی بشری است که به آن هویت یک رویکرد توسعه می بخشد. بنابراین رویکرد توانمندی انسانی، انسان را محور رشد و توسعه اقتصادی می داند و برای تحقق این رشد و تقسیم عادلانه میوه های آن در راه به روزی انسان، «برابری فرصتها» را سرلوحه عمل خویش قرار می دهد. از این دیدگاه، برابری فرصتها هنگامی رخ می دهد که هم تواناییهای فردی و هم بسترهای مناسب محیطی فراهم باشد.

بدین سان عدالت یعنی فرصتهای برابر و فرصتهای برابر یعنی اینکه:

همه از توانمندیهای پایه ای یعنی سواد، مهارت فردی و تندرستی برخوردار باشند.

همه بتوانند از امکانات و فرصتهای اقتصادی و منابع اقتصادی بهره گیرند.

همه بتوانند مشارکت اجتماعی و سیاسی داشته باشند.

همه به فرصتهای اجتماعی و امکانات آموزشی و بهداشتی و کار دسترسی داشته باشند.

به معنی گسترش دامنه گزینش انسان و چیره شدن او بر محرومیتها و تهدیدهاست و بدین سان توانمندیهای انسانی به معنای آزادیهای انسانی است.

ولی توانمندیهای انسانی هنگامی افزایش و تحقق می یابد که انسان از توانمندیهای پایه ای مانند درآمد، سواد و آموزش، بهداشت و تندرستی و... برخوردار باشد و در همان حال بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون دسترسی به امکانات اقتصادی، بر خور داری از فرصتهای برابر اقتصادی و اجتماعی، آزادی مبادله در بازار و نیز امکان مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت و ابراز وجود نیز فراهم باشد.

رویکرد توانمندی انسانی از راه افزایش سرمایه گذاری در توسعه انسانی و رشد بهره وری انسانها در نتیجه بالا رفتن بهره وری سرمایه و پدید آمدن انگیزه کافی برای مشارکت، رشد اقتصادی را که به ابزار انسان و سرمایه وابسته است محقق می سازد و در پرتو توانمندیهای فردی، همگان در فرایند رشد شریک و بی گمان از فواید آن نیز به گونه عادلانه بهره مند خواهند شد. افزایش توانمندیها در

○ «راه» از «هدف» جدا نیست. فرایند رسیدن به توسعه به اندازه خود توسعه مهم است. رویکرد انسانی به توسعه ما را و امی دارد فرایندی را بر گزینیم که در آن حرمت و کرامت انسانی حفظ شود و فقر، بیسوادی، نبود بهداشت، محرومیت از مشارکتهای اقتصادی و اجتماعی، پایمال شدن حقوق اجتماعی و محرومیت از حق تعیین سرنوشت و... همه به معنای شکسته شدن حرمت و عزت انسانی است. رویکردی به توسعه که در آن راه و هدف بر هم منطبق نباشد، بی چون و چراه سرنوشتی می انجامد که در آن، در عمل، هدف وسیله را توجیه خواهد کرد.



### در یک جمع‌بندی کلی می‌توان تفاوت دیدگاه توانمندی انسانی را با دیگر دیدگاهها در جدول زیر خلاصه کرد:

تعریف توسعه	رشد محور	حمایت محور	قابلیت محور
تعریف توسعه	رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی	رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی	افزایش توانمندیهای انسانی و گسترش دامنه گزینشهای انسان
توسعه نیافتگی	رشد اندک و نابرابری	رشد اندک و نابرابری	نبود آزادیها یا توانمندیهای انسانی
راهکار محوری	اقتصاد محور	اقتصاد محور	انسان محور
معیار ارزیابی توسعه	نرخ رشد و درآمد سرانه	نابرابری و شاخصهای رشد	توسعه انسانی - توانمندی انسانی
اولویتهای	رشد < نابرابری	نابرابری و فقر < رشد	رشد توانمندیها < رشد و توزیع
انسان در فرایند توسعه	ارزش ابزاری و نقش منفعل	ارزش ابزاری و نقش منفعل	ارزش ذاتی و نقش فاعلی
فقر	نگاه درآمدی	نگاه درآمدی	نگاه قابلیت
تعریف فقر	محروم از درآمد	محروم از درآمد	بی بهره از توانمندی، ناتوان از رهایی یافتن از فقر
کاهش فقر و نابرابری	رشد سریع اقتصادی، کاهش نابرابری و فقر پس از رشد (رشد درخت توسعه)	اعمال حمایتها و تثبیت قیمتها (پایین آوردن شاخه‌ها برای فقرا)	برابرتر کردن فرصتها و توانمندسازی (افزایش توانمندیها برای برداشت از میوه‌ها)
عدالت اجتماعی و مکانیسم آن	تحقق خودکار عدالت توزیعی (رسیدن حق به فرد)	تحقق دستوری عدالت توزیعی (رساندن حق به فرد)	تحقق عدالت اجتماعی بر پایه برابری فرصتها (رسیدن فرد به حق)

#### سرنوشت

همه‌بتوانند در برابر بحرانهای اقتصادی و طبیعی پایداری کنند.

همه‌بتوانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند و از حقوق خود دفاع کنند.

این بسترهای مناسب همان است که رویکرد قابلیت محور در قالب ۵ دسته از آزادیها ترسیم می‌کند یعنی:

- ۱- آزادی سیاسی ۲- فرصتها و امکانات اقتصادی
- ۳- فرصتهای اجتماعی ۴- نظام حمایتی ۵- شفافیت و تضمین آن

بنابراین در این رویکرد هر آنچه آزادیهای انسانی (توانمندیهای انسانی) را مخدوش می‌کند و راه را بر رشد و گسترش آن می‌بندد ناآزادی و محرومیت یا محدودیت شمرده می‌شود. در این رویکرد آزادی عبارت است از:

- \* آزادی دادوستد در بازار
- \* بر خورداری از امکانات و منابع اقتصادی
- \* بر خورداری از فرصتهای اجتماعی
- \* بر خورداری از آزادی سیاسی و حق تعیین

\* بر خورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی

\* وجود توانمندیهای انسانی، گذشته از استدلالهای علمی، به استناد مبانی عقیدتی و دینی، اصول قانون اساسی و نیز قوانین برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز قابل دفاع است؛ قانونی که در صدر آن بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، محور اصلی در تحکیم بنیادهای اقتصادی

همه‌بتوانند در برابر بحرانهای اقتصادی و طبیعی پایداری کنند.

همه‌بتوانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند و از حقوق خود دفاع کنند.

این بسترهای مناسب همان است که رویکرد قابلیت محور در قالب ۵ دسته از آزادیها ترسیم می‌کند یعنی:

- ۱- آزادی سیاسی ۲- فرصتها و امکانات اقتصادی
- ۳- فرصتهای اجتماعی ۴- نظام حمایتی ۵- شفافیت و تضمین آن

بنابراین در این رویکرد هر آنچه آزادیهای انسانی (توانمندیهای انسانی) را مخدوش می‌کند و راه را بر رشد و گسترش آن می‌بندد ناآزادی و محرومیت یا محدودیت شمرده می‌شود. در این رویکرد آزادی عبارت است از:

- \* آزادی دادوستد در بازار
- \* بر خورداری از امکانات و منابع اقتصادی
- \* بر خورداری از فرصتهای اجتماعی
- \* بر خورداری از آزادی سیاسی و حق تعیین

\* بر خورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی

\* وجود توانمندیهای انسانی، گذشته از استدلالهای علمی، به استناد مبانی عقیدتی و دینی، اصول قانون اساسی و نیز قوانین برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز قابل دفاع است؛ قانونی که در صدر آن بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، محور اصلی در تحکیم بنیادهای اقتصادی

نخست نیاز بودجه‌ای این بخشها بر آورده شود. بنابراین، «عزت و کرامت انسانی در پرتو برابری فرصتها و افزایش توانمندیها؛ شهر و ندان توانمند، دولت توسعه‌گر» شعار اصلی این دیدگاه است.

### ۳- برخی راهکارها و سیاستهای مرتبط در رویکرد توانمندی انسانی:

الف) هزینه‌های آموزش، مبارزه با سوء تغذیه، بهداشت محیط، از میان بردن بیسوادی، حمایت در برابر بلایای طبیعی، پاسداری از محیط زیست، استقرار نظام بیمه‌ای (اجتماعی و بازرگانی)، اصلاح ساختارها و مهندسی مجدد فرایندها در امور جاری اقتصادی و اجتماعی، شفاف سازی دولت، استقرار نظام استاندارد، اصلاح قوانین و مقررات در راستای برابری فرصتها در بهره‌گیری از امکانات اقتصادی، برنامه‌های فقر زدایی و کاهش فقر و مانند آن، در این رویکرد بعنوان هزینه‌های توسعه‌ای شمرده می‌شود. همه‌طرحها، برنامه‌های اجرایی و نهادسازیهایی لازم متناسب با تحقق هدفهای بالا، در بودجه توسعه‌ای اولویت دارد.

ب) طرحها و برنامه‌های اشتغال‌زایی مبتنی بر پشتیبانی از کارآفرینان و صاحبان صنایع کوچک و میانی  
پ) کاهش حضور دولت بعنوان مالک و متصدی و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی  
ت) بهره‌گیری گسترده از ICT و تقویت محیط الکترونیکی که نقشی برجسته در کاهش فرایندها، برابری فرصتها، افزایش توانمندیها و شفاف سازی دارد.  
ث) بهبود بخشیدن جایگاه زنان و از میان بردن نابرابریهای جنسیتی مانند برابری دستمزدها و مردان  
ج) گسترش نهادهای مدنی و NGOها در راستای تلاش برای برابری در فرصتها در جامعه  
چ) تأکید بر نقش دولت برای پرداختن به آنچه به افزایش توانمندی انسانی می‌انجامد  
ح) تأکید بر الگوهای نامتمرکز اداری و تصمیم‌گیری شبیه‌الگوهای فدرال  
\* واگذاری بسیاری از کارها و وظایف وزاره‌تخانه‌به ادارات کل در استانها

○ در سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه کشور، در عمل خواهان رویکردی از توسعه هستیم که بتواند همزمان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و عزت و منزلت انسانی را به ارمغان آورد؛ به سخن دیگر، بتواند پیوند سیستمی میان این هدفها برقرار کند. مبانی علمی و تجربه کشورهای نشان می‌دهد که رویکردهای رشدگرا توان پیوند دادن این هدفها را ندارد و در خوشبینانه‌ترین شرایط، در پرتو این رویکرد شاید بتوانیم به رشد اقتصادی برسیم. همچنین، اگر بخواهیم با رویکرد حمایت محور که معطوف به تحقق عدالت اجتماعی آنهاست با سیاست تثبیت قیمتها، گسترش یارانه‌ها و کمکهای حمایتی است، بی‌گمان به هیچ‌یک از سه هدف یادشده نخواهیم رسید.

است و اقتصاد ابزاری است برای رسیدن به هدفهای والا و بروز خلاقیت‌های انسان.

به سادگی می‌توان دریافت که چنین رویکردی با دخالت کارآمد دولت در حوزه وظایف حاکمیتی و تولید کالاهای عمومی و اقدامات لازم در حوزه نگهداری و ایجاد توانمندیهای انسانی سازگار است و از دید برنامه‌ریزی با یک مدل «برنامه‌ریزی هسته‌ای» همخوانی دارد که بر مواردی ویژه از حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بعنوان هسته‌های کلیدی تأکید می‌کند و از دید «بودجه برنامه» سازگار با «بودجه توسعه‌ای» برای هسته‌های کلیدی است. این هسته‌های کلیدی که بیش از همه افزایش توانمندیهای انسانی را هدف گرفته‌اند، باید دارای بودجه‌ای مستقل و برخوردار از اولویت در سیاست بودجه‌ریزی دولت باشند. البته این بدان معنا نیست که دیگر بخشهای اقتصاد و جامعه فراموش شود، بلکه باید بودجه عمومی و شیوه تخصیص منابع به گونه‌ای باشد که

افزایش توانمندیهای انسانی و برابری فرصتهای تواندمارا  
به هدف چشم انداز برساند.

\* این رویکرد اولین بار توسط سن بسط داده شده است.  
ر.ک. وحید محمودی، توسعه به مثابه آزادی، چاپ سوم،  
انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

### منابع و مآخذ:

۱. بانک جهانی، «مبارزه با فقر»، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱.
۲. پژویان و دیگران، شناسایی حمایت از اقشار آسیب پذیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۲.
۳. سن، آمار تیا، علم اقتصاد در مواجهه با حق برخورداری از مواد غذایی، اقتصاد توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۷.
۴. سن، آمار تیا، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۵. سن، آمار تیا، نابرابری اقتصادی، ترجمه وحید محمودی و عزت الله عباسیان، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
۶. «نهج البلاغه»، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۸، ۱۳۸۰.

7. Alkire, S, *Valuating freedoms: Sen's Capability Approach and Poverty Reduction*, Oxford University, 2002.
8. Flavio Comim, "Operationalizing Sen's Capability Approach", Conference On Justice and Poverty, Cambridge, 2001.
9. Glewe, P, and Koch, S, *Child Nutrition and Economic Growth in Vietnam*, Plenum Publishers, 2002.
10. Heltberg, R, Does Economic Growth Reduce Child Malnutrition?, The World Bank, Washington, D.C, 2002.
11. Kuznets, S, "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review*, 45, 1955.
12. Robyns, I, *Understanding Sen's Capability Approach*, Cambridge, CO Wolfon College, 2002.
13. Rowntree, B.S, *Poverty: A Study of Town Life*, London, Macmillan, 1910.
14. Sen, A.K, "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty", *Oxford Economic Papers*, 1985.
15. ...: *Commodities and Capabilities*, North Holland, Amsterdam, 1997.

\* توزیع سرمایه گذار یها و استقرار صنایع در سطح کشور، همخوان با توانمندیهای هر استان  
\* دادن استقلال به استاندار یها برای اداره همه کارهای استان تا حد امکان (زیرا به دلایل قومی و منطقه ای و دامنه های محدود تر در سطح استان، انگیزه هائیر و مند تر و نظارت بر کار کرد مسئولان از سوی شهر و ندان و فعالان اقتصادی در استان دقیق تر است).  
خ مهندسی مجدد فرایندها و اصلاح ساختارهای سازمانی و اداری دولت  
(د تلاش برای عادلانه کردن توزیع ثروت بعنوان سرچشمه در آمد پایدار  
(ذ) بهبود بخشیدن به روشهای تولید، توزیع و مصرف مبتنی بر اقتصاد دانش محور  
(ر) اصلاح نظام مالیاتی و بالا بردن سهم مالیات در درآمدهای دولت  
(ز) افزایش دادن همکار یهای منطقه ای  
(س) توانمند سازی تهیدستان، به جای حمایتیهای در آمدی صرف از آنان  
(ش) بالا بردن کار آیی و افزایش دادن شفافیت در ساختارهای دولتی.

### ۶- نتیجه گیری:

مادر سند چشم انداز بیست ساله توسعه کشور، در عمل خواهان رویکردی از توسعه هستیم که بتواند همزمان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و عزت و منزلت انسانی را به ار مغان آورد؛ به سخن دیگر، بتواند پیوند سیستمی میان این هدفها بر قرار کند. مبانی علمی و تجربه کشورها نشان می دهد که رویکردهای رشد گرا توان پیوند دادن این هدفها را انداز دو در خوشبینانه ترین شرایط، در پر تو این رویکرد شاید بتوانیم به رشد اقتصادی برسیم. همچنین، اگر بخواهیم بار و یکر د حمایت محور که معطوف به تحقق عدالت اجتماعی آنهاست تثبیت قیمتها، گسترش یارانه ها و کمکهای حمایتی است، بی گمان به هیچ یک از سه هدف یاد شده نخواهیم رسید. بنابر این رویکردی که این ظرفیت را دارد که به گونه نهادی و سیستمی این هدفها را پوشش دهد، رویکرد توانمندی محور یا آزادی محور در پهنه توسعه است که بر دو پایه